

# مقایسه سرزندگی تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی در بین دانش آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام

احمد میرزابیگی \*

سعید بختیارپور \*\*

زهرا افتخار صعادی \*\*\*

بهنام مکوندی \*\*\*\*

رضا پاشا \*\*\*\*\*

## چکیده

هدف از تحقیق حاضر، مقایسه‌ی دانش آموزان پسر و دختر براساس متغیرهای سرزندگی تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی می‌باشد. روش تحقیق از نوع علی-مقایسه‌ای و جامعه آماری را کلیه‌ی دانش آموزان پسر و دختر مدارس متوسط دوم شهر ایلام در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ تشکیل می‌دهد و حجم نمونه از طریق جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۳۷۴ دانش آموز تعیین گردید که از این تعداد، ۱۸۷ نفر پسر و ۱۸۷ نفر دختر می‌باشند. روش نمونه‌گیری مورد استفاده با توجه به نواحی آموزش و پرورش شهرستان ایلام، روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده که مقیاس سرزندگی تحصیلی حسین چاری و دهقانی زاده (۱۳۹۱)، پرسشنامه ابعاد احساس تعلق به مدرسه بریو و بتی (۲۰۰۵) و انگیزه پیشرفت تحصیلی هرمنس (۲۰۰۰) را تکمیل کردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که در بین دانش آموزان پسر و دختر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام در ابعاد تعلق به همسالان، حمایت معلم، عدالت در مدرسه، ارتباط در مدرسه، مشارکت علمی و متغیرهای انگیزه پیشرفت تحصیلی و سرزندگی تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که متغیر جنسیت، ۱/۲ درصد واریانس تعلق به همسالان، ۲/۱ درصد واریانس حمایت معلم، ۲/۷ درصد واریانس عدالت در مدرسه، ۱/۴ درصد واریانس ارتباط در مدرسه، ۱/۹ درصد واریانس مشارکت علمی، ۴/۷ درصد واریانس انگیزه پیشرفت تحصیلی، ۱/۳ درصد واریانس سرزندگی

- 
- \* دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران.  
\*\* استادیار روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)  
\*\*\* استادیار روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران.  
\*\*\*\* استادیار روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران.  
\*\*\*\*\* دانشیار روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران.

تحصیلی را تبیین کرده و دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر براساس متغیرهای فوق دارای برتری نسبی هستند.

**واژه‌های کلیدی:** احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی، سرزندگی تحصیلی

### مقدمه

جنس در مفهوم عام آن، به مجموعه‌ی ویژگی‌هایی گفته می‌شود که زن و مرد را از یکدیگر متمایز می‌سازد، اما در اصطلاح کنونی، جنس تنها به تفاوت‌های زیست‌شناختی بیولوژیک و پیکرشناختی فیزیولوژیک زنان و مردان اطلاق می‌شود به بیان ساده‌تر و خاص‌تر، منظور از جنس، تمایزهای فیزیکی و بدنی زن و مرد می‌باشد. جنسیت شامل رفتارها، نقش‌های اجتماعی و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم بر هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد. در ارتباط با نقش‌های جنسیتی افکار قالبی در مورد هر دو جنس در جامعه مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات را از هر دو جنس طرح ریخته و تعیین می‌کند (نرسیسیانس، ۱۳۸۳). واژه جنسیت یک مفهوم اجتماعی است و با واژه جنس که به طور معمول برای بیان همان موضوع ولی از دیدگاه زیست‌شناسی به کار می‌رود متفاوت است (نرسیسیانس، ۱۳۸۳). جنسیت و نقش‌های جنسیتی به قشربندی جنسیتی مرتبط می‌شوند. قشربندی جنسیتی، همچون سایر انواع قشربندی‌های اجتماعی، مربوط به پاداش‌های اجتماعی (نظیر توزیع قدرت، ثروت، وجهه، آزادی‌های فردی و اقتصادی) است و هر یک از اعضای جامعه بسته به موقعیتی که در هرم سلسله مراتب آن جامعه دارد به طور متفاوتی از این پاداش‌ها بهره‌مند می‌شود (نرسیسیانس، ۱۳۸۳). در سال‌های اخیر تحولات جنسیتی گسترده‌ای در حوزه آموزش و پرورش و آموزش عالی و تحصیلات دانشگاهی به وقوع پیوسته است که نمی‌توان آنها را محدود و منحصر به تحولات کمی و افزایش چشمگیر نسبت دانشجویان دختر دانست، به همین اعتبار دیدگاه‌های جدیدتر بر ابعاد کیفی این تحول تأکید داشته و آن را در عرصه وسیع‌تری از پیامدهای تحصیلی دنبال کرده‌اند که بدون شک بخش عمده‌ای از این بررسی‌ها معطوف به توضیح افزایش انگیزش و دلبستگی تحصیلی دختران و نیز پیشرفت تحصیلی بیشتر آنها در مقایسه با دانش‌آموزان پسر بوده است. در تحقیق حاضر تلاش شده است که پس از مروری نظری بر وجوه عمده

تفاوت‌های جنسیتی در مولفه‌های سرزندگی تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه و انگیزه پیشرفت تحصیلی و تبیین آنها با استناد به برخی دیدگاه‌ها، به این مهم پرداخته شود. دوران تحصیل، دوره‌ای از زندگی است که در آن تغییرات شناختی و اجتماعی وسیعی اتفاق می‌افتد. بخش قابل توجهی از چالش‌های زندگی مربوط به دوره‌ی نوجوانی است که چالش‌های تحصیلی (به عنوان مثال، سطوح پایین نمرات، استرس‌های معمول و غیرمعمول)، از جمله این چالش‌ها می‌باشد. از این رو، انطباق و سازگاری با فرصت‌ها و چالش‌های تحصیلی مورد توجه پژوهشگران تعلیم و تربیت بوده است. بنابراین، نظام آموزشی را زمانی می‌توان کارآمد و موفق دانست که مولفه‌های مؤثر چالش‌های تحصیلی دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف بررسی و مطالعه شود. در این راستا، در پژوهش حاضر به مطالعه و مقایسه مولفه‌های سرزندگی تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی در بین دانش‌آموزان پسر و دختر پرداخته می‌شود. سرزندگی تحصیلی، تاب‌آوری تحصیلی را در چارچوب زمینه روان‌شناسی مثبت منعکس می‌کند. سرزندگی تحصیلی به صورت توانایی دانش‌آموز برای موفقیت در برخورد با موانع و چالش‌های تحصیلی که در مسیر زندگی تحصیلی معمول قرار دارند، تعریف شده است (مارتین و مارش، ۲۰۰۸). همچنین سرزندگی تحصیلی به پاسخ مثبت، سازنده و انطباقی به انواع چالش‌ها و موانعی که در عرصه مداوم و جاری تحصیلی تجربه می‌شوند، اشاره دارد (پوتواین، ۲۰۱۲). بی‌علاقگی، خستگی و فرسودگی تحصیلی (به عنوان نقطه مقابل سرزندگی تحصیلی) رابطه معکوسی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد (میکائیلی وقلی زاده، ۱۳۹۳). به اعتقاد ریان و فردریک (۱۹۹۷) سرزندگی انرژی نشأت گرفته از خود فرد است و این انرژی از منابع درونی و نه تهدید اشخاص در محیط، نشأت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، سرزندگی احساس سرزنده بودن، نه تحریک و نه اجبار به انجام دادن آن است. از نظر مارش و مارتین (۲۰۰۸) پیشایندهای سرزندگی تحصیلی در سه سطح مختلف روانی، عوامل مربوط به مدرسه و مشارکت در فرایند تحصیل، و عوامل مربوط به خانواده و هسالان مورد توجه قرار گرفته است. مارتین و مارش (۲۰۰۶ و ۲۰۰۸) تصریح می‌کنند که سؤالات چالش برانگیزی در زمینه تحصیلی وجود دارد که نیازمند توجه جدی هستند. ازسویی دیگر مدارس و محیط‌های آموزشی مکانهایی هستند که چالش‌های تحصیلی،

موانع و فشارها، حقیقت پایدار زندگی تحصیلی هستند که پژوهش‌های انجام شده به طور واضح از این موضوع حمایت می‌کند (به عنوان مثال، گنزالز و پادیلا، ۱۹۹۷؛ کترال، ۱۹۹۸؛ اوراستریت و براون، ۱۹۹۹؛ به نقل از حسین چاری و همکاران، ۱۳۹۳، مارتین و مارش، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸). بنابراین، باید ابعاد مختلف وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان از جمله سرزندگی تحصیلی آنان مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان اطلاعات دقیق‌تری از وضعیت تحصیلی آنان به دست آورد. در پژوهش مارتین و مارش (۲۰۰۶) تحت عنوان سرزندگی تحصیلی و همبستگی‌های آموزشی و روانشناختی با بررسی دانش‌آموزان مقطع متوسطه نشان دادند که میزان سرزندگی در کاهش یا افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان نقش مهمی دارد. سرزندگی تحصیلی برگرفته از نظریات مارتین و مارش (۲۰۰۶، ۲۰۰۸) و همچنین از تحقیق حسین چاری و دهقانی زاده (۱۳۹۱) در زمینه سرزندگی تحصیلی می‌باشد. از نظر مارش و مارتین (۲۰۰۸) پیشایندهای سرزندگی تحصیلی در سه سطح مختلف روانی، عوامل مربوط به مدرسه و مشارکت در فرایند تحصیل، و عوامل مربوط به خانواده و همسالان مورد توجه قرار گرفته است.

یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند بر چالش‌های تحصیلی دانش‌آموزان تاثیرگذار باشد، احساس تعلق به مدرسه است. وقتی افراد خود را به عنوان عضوی از یک گروه یا طبقه اجتماعی طبقه‌بندی می‌کنند، نوعی حس تعلق به وجود می‌آید. این حس تعلق نیز ممکن است به وسیله فرایندهای پویا مانند تمایل به ارتقای خود یا خود اثباتی و خود سازگاری برانگیخته شود (تاجفل و تورنر، ۲۰۰۷). دسته‌ای از تعاریف مبتنی بر دیدگاه زیست بوم شناسانه یا مبتنی بر بعد اجتماعی است. در این رویکرد احساس تعلق به صورت عمومی عبارت است از توصیف کیفیت ارتباطات در سطح جامعه و به صورت اختصاصی (احساس تعلق به مدرسه) به عنوان دیدگاه افراد که باعث افزایش پیوند آنها با محیط مدرسه می‌شود تعریف می‌گردد (لیبی، ۲۰۰۰ به نقل از مک نلی و همکاران، ۲۰۰۲). مک نلی و همکاران (۲۰۰۲) مهم‌ترین عناصر این تعلق را عبارت از ارتباط مؤثر افراد با اعضای جامعه مدرسه، میزان تعلق افراد به اهداف جمعی و شمول یا میزان دخالت اعضا در فعالیتهای اجتماعی می‌داند. در این رویکرد سعی شده است به مدرسه به عنوان بخشی از جامعه نگاه شود که برای بررسی آن می‌بایست آنرا در

بافت اجتماعی مورد بررسی قرار داد. با توجه به این رویکرد مدرسه می‌بایست دارای سیستمی باشد که به تمام افراد با عقاید و قومیت‌های متفاوت احترام گذارد (روا، استوارت و پاترسون، ۲۰۰۷). رویکرد دیگر در تعریف احساس تعلق به مدرسه رویکرد روان‌شناسی به احساس تعلق به مدرسه است که احساس تعلق به مدرسه را به عنوان یک حالت روان‌شناسی عنوان می‌کند که در آن دانش‌آموزان احساس کنند خود و دیگر دانش‌آموزان مورد مراقبت و حمایت از طرف مدرسه هستند (شوچت و اسمایث، ۲۰۰۹). براساس این رویکرد هنگامی که دانش‌آموزان با قوانین سخت‌گیرانه از طرف مدرسه روبرو شوند و با اولین خطا در مدرسه تنبیه یا حتی اخراج شوند دارای احساس تعلق کمتری نسبت به دانش‌آموزانی هستند که در مدراس آسان‌گیر می‌باشند (لد و دینلا، ۲۰۰۹). کارچر، هولکومب و زامبرانو (۲۰۰۸) در این زمینه تعریفی دیگری را بیان کرده‌اند که احساس تعلق به مدرسه را به عنوان اعمالی می‌داند که باعث سازگار شدن دانش‌آموز در انجام یک فعالیت یا مکان خاص می‌شود. این اعمال باعث افزایش احساس راحتی، خوب بودن و کاهش اضطراب دانش‌آموز می‌شود. تحقیقات سینلهاف (۲۰۰۹) مک نلی (۲۰۰۲) موریسون (۲۰۰۸) آلن، رابینز و کاسیلاس (۲۰۰۸) و نشان دهنده این مطلب است که عواملی از قبیل ۱- تنوع نژادی و قومیتی ۲- قوانین سخت‌گیرانه در مدارس ۳- افزایش جمعیت مدارس و کلاسها ۴- سو مدیریت در کلاسها ۵- افزایش فعالیت‌های فوق برنامه دارای ارتباط با افزایش یا کاهش احساس تعلق به مدرسه می‌باشد. کارچر، هولکومب و زامبرانو (۲۰۰۸) عوامل گسترش دهنده احساس تعلق به مدرسه را شامل سه عامل می‌دانند ۱- پذیرش به وسیله دیگران ۲- حمایت بین فردی ۳- احساس تعلق تجربه شده. استرمان به نقل از بتی و بریو (۲۰۰۵) می‌گویند با اینکه در گذشته وظایف فوق برنامه یکی از بهترین راههای افزایش احساس تعلق به مدرسه بوده است ولی هم اکنون به این نتیجه رسیده‌ایم که افزایش ارتباط میان معلم و همسالان از جمله مهمترین عوامل تأثیر روی احساس تعلق به مدرسه می‌باشد.

از مولفه‌های مهم و تاثیرگذار بر تحصیل دانش‌آموزان، مؤلفه انگیزه پیشرفت تحصیلی در آنان می‌باشد. انگیزه پیشرفت تحصیلی در هر جامعه نشان‌دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف‌یابی و توجه به رفع نیازهای فردی است. بنابراین نظام آموزشی را زمانی می‌توان کارآمد و موفق دانست که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان آن

در دوره‌های مختلف دارای بیشترین و بالاترین رقم باشد. انگیزه‌ی پیشرفت یکی از مهمترین انواع انگیزش برای روان‌شناسی تربیتی است. انگیزه پیشرفت یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های اکتسابی هر فرد است که برای نخستین بار توسط موری مطرح شد و کسانی که انگیزه پیشرفت بالایی دارند برای دستیابی به برتری و حفظ معیارهای سطح بالا تلاش می‌کنند و ترجیح می‌دهند کارهایی انجام دهند که چالش بر انگیز باشند (بیابانگرد، ۱۳۸۴). موری (۱۹۳۸) معتقد بود، که نیاز به پیشرفت، عبارت از غلبه کردن به موانع، دستیابی به معیارهای عالی، رقابت کردن با دیگران و پیشی گرفتن از آنان است (ریو، ۲۰۱۵). از دیدگاه باتل (۲۰۰۹) انگیزه پیشرفت تحصیلی عبارت است از: گرایش همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است. برطبق گفته کولی (۱۹۷۵)، پیشرفت تحصیلی یک سطح کارآمد اکتسابی در امور مرتبط با تحصیل یا به عنوان دانش اکتسابی رسمی در موضوعات مرتبط با تحصیل که اغلب نشان‌دهنده درصد نمرات به دست آمده توسط دانش‌آموز در امتحانات است. واینر (۱۹۹۲) معتقد است دانش‌آموزانی که انگیزه پیشرفت دارند و انتظار دارند که موفق شوند؛ وقتی شکست می‌خورند، تلاش خود را دو چندان می‌کنند تا موفق شوند (رابرت ایی اسلاوین، ۲۰۱۴). اتکینسون (۲۰۰۹) بر این اعتقاد است که، دانش‌آموزان از سطوح متفاوتی از انگیزه پیشرفت تحصیلی برخوردارند، به همین علت، در زندگی خود به شیوه‌های کاملاً متفاوتی رفتار می‌کنند. گیچ و برلاینر (۱۹۹۲) نیز انگیزه پیشرفت را به صورت میل یا علاقه به موفقیت کلی یا موفقیت در زمینه‌ای خاص تعریف کرده‌اند. این انگیزه در موقعیت‌های تحصیلی می‌تواند بر پیشرفت تحصیلی اثرگذار باشد (به نقل از سیف، ۱۳۹۳). در آغاز دهه ۷۰، هرمنس تلاش نمود تا با جمع آوری منابع ضمن مشخص کردن مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت، آزمون معتبری برای اندازه‌گیری آن ارائه کند. هرمنس معتقد است که می‌توان بر اساس پژوهش‌های انجام شده در زمینه انگیزه پیشرفت و پاسخ‌های آزمودنی‌ها به مواد آزمونها، مؤلفه‌های سازنده انگیزه پیشرفت را مشخص کرد. بنابر دیدگاه وی، انگیزه پیشرفت از چند مؤلفه سطح آرزو، رفتار خاطره‌آمیز، ارتقاءطلبی، مسئولیت‌پذیری، پشتکار، آینده‌نگری، رفتارشناختی، انتخاب دوست و رفتار موفق تشکیل شده است. مطالعات نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که انگیزه پیشرفت بالایی

دارند، در تکالیف مدرسه موفق می‌شوند. این دانش‌آموزان در مقایسه با دانش‌آموزانی که انگیزه پیشرفت کمی دارند، به مدت طولانی‌تری در انجام دادن تکالیف استقامت می‌کنند و برای موفقیت بیشتر تلاش می‌کنند (اسلاوین به نقل از سید محمدی، ۱۳۹۳). از جمله تحقیقاتی که در زمینه‌های فوق انجام گرفته است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. منصوری (۱۳۸۷) در تحقیقی به مقایسه تأثیر مدارس هوشمند و عادی بر مهارت‌های تفکر انتقادی و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه تهران پرداخته است. پژوهش فوق به صورت علی مقایسه انجام گرفته و جامعه آماری تحقیق دانش‌آموزان سال سوم مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی رشته ریاضی دبیرستانهای شهر تهران در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ می‌باشند. نتایج تحقیق نشان دهنده این است که ۱- میانگین مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان مدارس هوشمند بالاتر از دانش‌آموزان مدارس عادی است ۲- در مورد انگیزه پیشرفت تحصیلی تفاوت معناداری در میان دانش‌آموزان مدرسه هوشمند و عادی دیده نشد. ابراهیم آبادی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان مقایسه تأثیر روش آموزش مبتنی بر وب و آموزش مبتنی بر روش سنتی در یادگیری و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته ریاضی فیزیک مقطع متوسطه شهر تهران پرداخت. هدف این پژوهش مقایسه تأثیر دو روش آموزش: یکی از طریق وب و دیگری روش سنتی بر یادگیری و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان مفید شهر تهران بود. نتایج نشان دهنده این است که بین میانگین نمرات گروه آزمایش و گروه کنترل در متغیر انگیزش پیشرفت تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و آموزش از طریق وب به طور قابل ملاحظه‌ای بر انگیزش اثر بخش بوده است. در پژوهشی حج فروش و اورنگی (۱۳۸۲) به بررسی نتایج کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در دبیرستانهای شهر تهران پرداختند. نتایج این تحقیق که به صورت طولی انجام گرفته است بیان‌کننده این مطلب می‌باشد که استفاده از فاوا سبب توسعه یادگیری مشارکتی و افزایش علاقه دانش‌آموزان در کاوش در اینترنت و لوحهای فشرده می‌شود. در یک مطالعه فراتحلیل محققان (کولیک، ۱۹۹۱) به بررسی تأثیر کامپیوتر بر روی گرایش دانش‌آموزان در جهت یادگیری و میزان یادگیری آنها پرداختند. نتایج نشان داد که دانش‌آموزانی که به وسیله کامپیوتر آموزش می‌بینند ۱- دارای گرایش بیشتری نسبت به فعالیت در مدرسه هستند ۲- دانش‌آموزانی که به وسیله کامپیوتر

آموزش می‌بینند دارای پیشرفت تحصیلی بیشتری نسبت به دانش آموزان دیگر هستند. در یک فراتحلیل دیگر (کولیک، ۲۰۰۳) نشان داده شد که آموزش به وسیله کامپیوتر دارای میانگین حجم اثر ۱/۱۰ بر روی انگیزش می‌باشد. حجم اثر ۱/۱۰ بیانگر این مطلب است که آموزش به وسیله کامپیوتر باعث افزایش انگیزش پیشرفت می‌شود. تک آونگ (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان تمایزات و تاثیرات آموزش در مدارس هوشمند مالزی به بررسی تفاوتها و تاثیرات آموزش در مدارس هوشمند مالزی نسبت به مدارس عادی در این کشور پرداخت. این تحقیق به صورت مصاحبه با معلمان، مشاهده کلاس درس آنها و گزارش دانش‌آموزان انجام گرفته است. نتایج حاکی از این است که تفاوت‌های مدارس عادی مالزی با هوشمند در این کشور در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباط و رویکرد دانش‌آموز محور می‌باشد. استفاده از این رویکردها باعث افزایش یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. در بخش تاثیرات آموزش در مدارس هوشمند مالزی در مقایسه با مدارس عادی که به صورت کمی و پرسشنامه‌ای انجام گرفته است، نتایج حاکی از این می‌باشد که بازدهای دانش‌آموزان در این مدارس بیشتر از مدارس عادی می‌باشد. بازدهای دانش‌آموزان شامل: انگیزش یادگیری، مهارت‌های فراگیری علوم و موفقیت تحصیلی می‌باشد. تحقیقاتی دیگری در این زمینه می‌توان به ویتینگ (۲۰۰۶)، روسشل، پنویل و آبراهامسون (۲۰۰۳) به نقل از وایتنگ، (۲۰۰۶)، بلدرین (۲۰۰۳) به نقل از بلدرین، (۲۰۰۶) اشاره کرد. با توجه به مطالب ذکر شده این سؤال برای محقق پیش می‌آید که آیا در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام مولفه‌های سرزندگی تحصیلی، انگیزه پیشرفت و احساس تعلق تفاوت دارند. از این رو، اهداف تحقیق عبارتند از: ۱- مقایسه سرزندگی تحصیلی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر ایلام ۲- مقایسه انگیزه پیشرفت تحصیلی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر ایلام ۳- مقایسه احساس تعلق به مدرسه و مؤلفه‌های آن در بین دانش‌آموزان دختر و پسر ایلام. بنابراین فرضیه تحقیق عبارت است از: سرزندگی تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام تفاوت معناداری دارد.



## روش

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای و جامعه آماری را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوم (دبیرستان) شهرستان ایلام در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ تشکیل می‌دهد که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) تعداد ۳۷۴ به عنوان نمونه تعیین گردید و از این تعداد، ۱۸۷ نفر پسر و ۱۸۷ نفر دختر می‌باشند. روش نمونه‌گیری، روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. در این تحقیق، در مرحله اول از بین تمام مدارس متوسطه دوم (۱۶ دبیرستان) ۴ مدرسه و در هر مدرسه ۴ کلاس (مقطع اول تا چهارم) به طور تصادفی انتخاب شده‌اند (دبیرستان‌های فرزنانگان (دخترانه)، شهید آوینی (دخترانه)، شهید بهشتی (پسرانه)، شهید شهریار (پسرانه)) و تمامی دانش‌آموزان آن ۴ کلاس (هر ۴ مقطع) مورد آزمون قرار گرفتند. از مجموع ۳۷۴ پرسشنامه توزیع شده در بین دانش‌آموزان تعداد ۱۴ پرسشنامه به دلیل عدم دقت یا نقص در پاسخگویی مورد تحلیل قرار نگرفتند. از این رو، در تحلیل نهایی نمونه پژوهش به ۳۶۰ نفر (۱۷۹ پسر و ۱۸۱ دختر با رنج سنی ۱۵ تا ۱۸ سال، میانگین سنی ۱۶/۸۷ سال و انحراف معیار ۰/۱۲۷) تقلیل یافت. همچنین، میانگین سنی پدران و مادران دانش‌آموزان نمونه پژوهش دختر و پسر نشان داد که تقریباً در هر دو گروه دانش‌آموزان حدود ۵ سال اختلاف سنی بین پدر و مادر وجود دارد و در کل نمونه میانگین سنی پدران حدوداً ۴۷ سال و و برای مادران ۴۱/۸ سال می‌باشد.

**الف. مقیاس سرزندگی تحصیلی حسین چاری و دهقانی زاده (۱۳۹۱):** حسین چاری و دهقانی زاده در سال ۱۳۹۱ پرسشنامه سرزندگی تحصیلی را با ۹ گویه در قالب طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای به صورت؛ کاملاً مخالفم ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ کاملاً موافقم) با الگوگیری از مقیاس سرزندگی تحصیلی مارتین و مارش (۲۰۰۶) که چهار گویه داشت توسعه دادند. نتایج حاصل از بررسی حسین چاری و دهقانی زاده (۱۳۹۱) نشان داد که ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده برابر با ۰/۸۰ بود. همچنین دامنه همبستگی گویه‌ها با نمره کل بین ۰/۵۱ تا ۰/۶۸ می‌باشد. این نتایج بیانگر این است که گویه‌ها از همسانی درونی و ثبات رضایت بخشی برخوردارند. به منظور بررسی ساختار عاملی (روایی سازه) پرسشنامه از تحلیل مؤلفه اصلی با چرخش متعامد واریماکس در سطح گویه استفاده کرد. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۶۲ بدست آمد، که پایایی

قابل قبولی است. همچنین، نتایج تحلیل عاملی تاییدی نشان داد که شاخص نسبت مجذور خی به درجه آزادی ( $\chi^2/df$ ) برابر ۲/۷۵۸ و کمتر از میزان ۳ و در حد مطلوب و شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب ( $RMSEA$ ) برابر ۰/۰۷۸ و کمتر از سطح معنی داری ۰/۰۸ و مناسب و نشان‌دهنده برازش مناسب و خوب می‌باشد. بنابراین، کلیه گویه‌های به کار گرفته در پرسشنامه‌ی سرزندگی، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را برای متغیر تحقیق مورد نظر داشته است.

ب. **مقیاس ابعاد احساس تعلق به مدرسه بریو و بتی (۲۰۰۵):** این مقیاس مشتمل بر ۲۷ گویه و در قالب ۶ بعد؛ احساس تعلق به همسالان با ۴ گویه، حمایت معلم با ۹ گویه، احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه با ۴ گویه، مشارکت در اجتماع با ۴ گویه، ارتباط فرد در مدرسه با ۳ گویه، مشارکت علمی با ۳ گویه، در قالب طیف لیکرت (۴ گزینه‌ای با نمرات کاملاً مخالفم ۱ تا ۴ کاملاً موافقم) تهیه شده است. نمره آزمودنی‌ها دارای دامنه‌ای از ۲۷ تا ۱۰۸ است. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۴ توسط بری، بتی و وات به صوت جملات مثبت در مقیاس لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) طراحی شده است. پرسشنامه مذکور در سال ۲۰۰۵ نیز توسط بتی و بری مورد تجدید نظر قرار گرفته است که ضریب پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۷۵ درصد و برای مؤلفه‌های احساس تعلق به همسالان ۷۳ درصد، حمایت معلم ۸۹ درصد، احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه ۷۵ درصد، مشارکت کردن در جامعه ۸۴ درصد، ارتباط فرد با مدرسه ۶۹ درصد و مشارکت علمی ۷۸ درصد گزارش شده است (بری، بتی و وات، ۲۰۰۵). در ایران نیز مکیان و کلانتر کوشه (۱۳۹۲) به بررسی روایی و پایایی این پرسشنامه بر روی ۳۵۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر شهر تهران (۲۰۰ دانش‌آموز پسر و ۱۵۰ دانش‌آموز دختر) پرداختند. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۹۰۷ (معادل ۹۰/۷ درصد) بدست آمد، که پایایی قابل قبولی است و ضریب پایایی برای مؤلفه‌های احساس تعلق به همسالان ۷۹/۶ درصد، حمایت معلم ۷۶/۶ درصد، احساس رعایت احترام و عدالت در مدرسه ۷۷/۴ درصد، مشارکت کردن در جامعه ۷۲/۱ درصد، ارتباط فرد با مدرسه ۷۹/۶ درصد و مشارکت علمی ۷۵/۸ درصد گزارش شده است همچنین، نتایج تحلیل عاملی تاییدی کل پرسشنامه نشان داد که شاخص  $\chi^2/df$  برابر ۲/۷۴۲ و

در حد مطلوب و شاخص  $RMSEA$  برابر ۰/۰۷۰ و مناسب و نشان‌دهنده برازش مناسب و خوب می‌باشد. بنابراین، کلیه گویه‌ها به کار گرفته در پرسشنامه‌ی احساس تعلق به مدرسه، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را برای بعد تحقیق مورد نظر داشته است.

ج. مقیاس انگیزه پیشرفت تحصیلی هرمنس (۲۰۰۰): این مقیاس مشتمل بر ۲۹ گویه در قالب طیف لیکرت (۴ گزینه‌ای به صورت؛ ۴ ۳ ۲ ۱) توسط هرمنس در سال ۲۰۰۰ تهیه شده است. نمره آزمودنی‌ها دارای دامنه‌ای از ۲۹ تا ۱۱۶ است. هرمنس در سال ۲۰۰۰ برای محاسبه پایایی آزمون انگیزش پیشرفت تحصیلی از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده کرد و ضریب پایایی محاسبه شده به میزان ۰/۸۴ بدست آمد. با استفاده از روش بازآزمایی در مطالعه اصلی پرسشنامه بعد از گذشت سه هفته مجدداً به کارآموزان داده شد. ضریب پایایی بدست آمده ۰/۸۴ بدست آمد. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۸۳ بدست آمد، که پایایی قابل قبولی است. همچنین، نتایج تحلیل عاملی تاییدی پس از حذف ۴ گویه با بار عاملی کمتر از ۰/۵۰ در مدل اندازه‌گیری اصلاح شده نشان داد که شاخص  $\chi^2/df$  برابر ۲/۰۵۹ و در حد مطلوب و شاخص  $RMSEA$  برابر ۰/۰۵۴ و مناسب و نشان‌دهنده برازش مناسب و خوب می‌باشد. بنابراین، کلیه گویه‌های به کار گرفته در پرسشنامه‌ی انگیزه پیشرفت تحصیلی، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را برای متغیر تحقیق مورد نظر داشته است.

#### یافته‌ها

در جدول ۱ توزیع میانگین و نتایج آزمون نرمال متغیرهای تحقیق بر حسب جنسیت دانش‌آموزان ارائه شده است.

جدول ۱. شاخصهای توصیفی متغیرهای پژوهش بر حسب جنسیت

متغیر	پسران		دختران		آزمون نرمال (آزمون K-S)	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	Sig.
تعلق به همسالان	۲۸.۷۹	۷.۰۲	۳۰.۳۳	۶.۹۶	۱.۴۸	۰/۰۶۵
حمایت معلم	۱۳.۲۹	۳.۴۳	۱۴.۲۳	۲.۹۷	۱.۳	۰/۰۸۴
احترام در مدرسه	۱۲.۸۱	۳.۴۳	۱۳.۹۵	۳.۴۲	۰.۹۵	۰/۱۵۲
مشارکت در اجتماع	۹.۲۹	۲.۵۶	۹.۳۲	۲.۴۷	۱.۱۹	۰/۰۵۹

متغیر	پسران		دختران		آزمون نرمال (آزمون K-S)	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	Sig.
ارتباط در مدرسه	۱۰.۴۴	۲.۷۹	۱۱.۰۹	۲.۵۹	۱/۰۹	۰/۱۳۲
مشارکت علمی	۸۶.۶۶	۵۱۷.۹	۹۱.۵۳	۱۷.۱۴	۰/۷۴	۰/۲۱۵
سرزندگی تحصیلی	۳۰.۲۷	۶.۷۴	۸۳۰.۹	۶.۷۱	۰/۹۷	۰/۱۴۹
انگیزه پیشرفت تحصیلی	۸۰.۹۷	۱۸.۳	۸۴.۷۹	۸.۱۴	۱/۲۲	۰/۱۱۲

جدول ۱ نشان می‌دهد که میزان (میانگین) متغیرهای تحقیق در دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر بیشتر بوده و خطای آزمون نرمال کلیه‌ی متغیرهای تحقیق بزرگ‌تر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشند و لذا با اطمینان ۹۵ درصد، توزیع این متغیرها نرمال بوده و لذا مجاز به استفاده از آزمون‌های پارامتری هستیم.

سرزندگی تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام تفاوت معناداری دارد.

برای تحلیل فرضیه، از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (روش MANOVA) استفاده می‌شود که قبل از آن بایستی وابستگی بین متغیرهای تحقیق بررسی شود که نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسن بین متغیرها در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج همبستگی پیرسن بین متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد احساس تعلق به مدرسه					
	تعلق به همسالان	حمایت معلم	احترام در مدرسه	مشارکت در اجتماع	ارتباط در مدرسه	مشارکت علمی
انگیزه پیشرفت تحصیلی	۰/۱۹۸	۰/۴۲۸	۰/۴۷۱	۰/۴۶۰	۰/۳۳۳	۰/۵۲۶
سرزندگی تحصیلی	۰/۲۵۷	۰/۲۹۰	۰/۱۳۶	۰/۱۰۴	۰/۱۹۴	۰/۲۶۶

جدول ۲ نشان می‌دهد که خطای همبستگی دو به دوی بین ابعاد احساس تعلق به مدرسه و متغیرهای انگیزه پیشرفت تحصیلی و سرزندگی تحصیلی کمتر از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ می‌باشد، و با توجه علامت مثبت همبستگی‌ها نتیجه می‌شود که یک رابطه‌ی مستقیم و معناداری بین دو به دوی متغیرها و ابعاد وجود دارد. در این میان،

همبستگی بین بعد مشارکت علمی و متغیر انگیزه پیشرفت تحصیلی با مقدار ۰/۵۲۶ دارای قویترین همبستگی است.

در جدول ۳ نتایج آزمون ام‌باکس (Box's M) جهت آزمون فرض برابری ماتریس های کواریانس مشاهده شده بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون ام‌باکس (Box's M) جهت آزمون پیش فرض برابری ماتریس واریانس -

کواریانس متغیرهای پژوهش

Sig.	Df2	Df1	F	(Box's M)	آماره آزمون ام‌باکس
۰.۱۰۶	۴۲۰۹۳۵.۱۶	۴۵	۱.۲۶۹	۵۸.۶۵	

نتایج آزمون ام‌باکس در جدول ۳ نشان می‌دهد که مقدار خطایی آزمون ام‌باکس برابر ۰/۱۰۶ بوده که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین، فرض برابری ماتریس های کواریانس مشاهده شده بین متغیرهای پژوهش در بین دانش‌آموزان پسر و دختر مورد تأیید است.

جدول ۴. نتایج آزمون پیلا، لاندای ویلک، هتلینگ و بزرگترین ریشه روی

در تحلیل واریانس چندمتغیره مولفه‌های پژوهش

Sig.	Error df	Hypothesis df	F	مقدار	نوع آزمون
۰.۰۰۱	۳۵۰.۰۰۰	۹.۰۰۰	۳.۳۰۲۴	۰.۰۷۸	پیلا
۰.۰۰۱	۳۵۰.۰۰۰	۹.۰۰۰	۳.۳۰۲۴	۰.۹۲۲	لاندای ویلک
۰.۰۰۱	۳۵۰.۰۰۰	۹.۰۰۰	۳.۳۰۲۴	۰.۰۸۵	هتلینگ
۰.۰۰۱	۳۵۰.۰۰۰	۹.۰۰۰	۳.۳۰۲۴	۰.۰۸۵	بزرگ‌ترین ریشه روی

در جدول ۴ نتایج ارزیابی معناداری اثر چند متغیری مولفه‌ها، با آزمون‌های پیلا، لاندای ویلک، هتلینگ و بزرگترین ریشه ارائه شده است.

نتایج ارزیابی معناداری اثر چند متغیری مولفه‌ها، با آزمون‌های پیلا، لاندای ویلک، هتلینگ و بزرگترین ریشه روی در جدول (۴) نشان می‌دهد که میزان خطا در هر چهار آزمون برابر با ۰/۰۰۱ بوده که کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین تفاوت متغیرهای سرزندگی تحصیلی، انگیزه پیشرفت تحصیلی، ابعاد احساس تعلق به مدرسه بر اساس هر ۴ آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ یعنی، حداقل در یکی از سازه‌های سرزندگی تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، ابعاد احساس تعلق به مدرسه

در بین دانش‌آموزان پسر و دختر تفاوت وجود دارد. به عبارتی، می‌توان گفت که جنسیت دانش‌آموزان، حداقل بر یکی از مولفه‌های سرزندگی تحصیلی، انگیزه پیشرفت تحصیلی، ابعاد احساس تعلق به مدرسه تأثیر می‌گذارد. در جدول (۵) نتایج آزمون لوین جهت آزمون فرض برابری واریانس خطاها بین متغیرها پژوهش ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون لوین جهت بررسی پیش فرض برابری یا عدم برابری واریانس مولفه‌های پژوهش

Sig.	Df2	Df1	F	تغییر
۰.۹۶۰	۳۵۸	۱	۰.۰۰۳	تعلق به همسالان
۰.۰۶۴	۳۵۸	۱	۳.۴۵۵	حمایت معلم
۰.۸۸۷	۳۵۸	۱	۰.۰۲۰	عدالت در مدرسه
۰.۹۸۱	۳۵۸	۱	۰.۰۰۱	مشارکت در اجتماع
۰.۲۹۳	۳۵۸	۱	۱.۱۰۸	ارتباط در مدرسه
۰.۵۱۰	۳۵۸	۱	۰.۴۳۵	مشارکت علمی
۰.۷۹۴	۳۵۸	۱	۰.۰۶۸	سرزندگی تحصیلی
۰.۶۸۸	358	۱	۰.۱۶۲	انگیزه پیشرفت تحصیلی

نتایج آزمون لوین در جدول ۵ نشان می‌دهد که مقادیر خطای آزمون کلیه متغیرها در بین دانش‌آموزان دختر و پسر کمتر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین، فرض برابری واریانس خطاها در بین دانش‌آموزان پسر و دختر از لحاظ مولفه‌های پژوهش مورد تأیید است، که این یافته، پایایی نتایج بعدی را نشان می‌دهد. جدول ۶ نتایج اثر جنسیت بر هر یک از متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد.

جدول ۶. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره اثرات جنسیت بر هر یک از مولفه‌های پژوهش

متغیر	مجموع مجدورات (SS)	F	Sig.	مجدورات
تعلق به همسالان	۲۱۲.۹۳۸	۴.۳۵۵	۰.۲۴۰	۰.۰۱۲
حمایت معلم	۷۸.۸۳۹	۷.۶۵۸	۰.۰۰۶	۰.۰۲۱
عدالت در مدرسه	۱۱۵.۸۶۲	۹.۸۸۲	۰.۰۰۲	۰.۰۲۷
مشارکت در اجتماع	۱۳.۲۸۹	۰.۰۰۰	۰.۹۹۳	۰.۰۰۰
ارتباط در مدرسه	۳۸.۳۲۶	۵.۲۶۲	۰.۰۲۲	۰.۰۱۴
مشارکت علمی	۲۱۳۵.۴۲۶	۶.۹۳۳	۰.۰۰۹	۰.۰۱۹
سرزندگی تحصیلی	۴۳.۹۱۹	۳.۹۵۹	۰.۲۳۰	۰.۱۳۰
انگیزه پیشرفت تحصیلی	۱۳۱۵.۶۹۲	۶۵۹/۱۷	۰.۰۰۰	۰.۰۴۷

در جدول ۶ نتایج اثر جنسیت بر روی هر یک از متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد که بین دانش‌آموزان پسر و دختر، مولفه‌های تعلق به همسالان، حمایت معلم، عدالت در مدرسه، ارتباط در مدرسه، مشارکت علمی، سرزندگی تحصیلی، انگیزه پیشرفت تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد، زیرا خطای آزمون این مولفه‌ها کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. از طرفی، خطای آزمون اثر جنسیت بر بعد مشارکت در اجتماع از ابعاد احساس تعلق به مدرسه برابر ۰/۹۹۳ است که بزرگتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین مولفه‌ی جنسیت روی این بعد تاثیرگذار نیست. همچنین در جدول (۶) براساس نتایج مجذور اتا نتیجه می‌شود که متغیر جنسیت، ۱/۲ درصد واریانس تعلق به همسالان، ۲/۱ درصد واریانس حمایت معلم، ۲/۷ درصد واریانس عدالت در مدرسه، ۱/۴ درصد واریانس ارتباط در مدرسه، ۱/۹ درصد واریانس مشارکت علمی، ۴/۷ درصد واریانس انگیزه پیشرفت تحصیلی و ۱/۳ درصد واریانس سرزندگی تحصیلی را تبیین می‌کند.

#### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر مقایسه سرزندگی تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی در بین دانش‌آموزان پسر و دختر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام بوده است. نتایج تحقیق بیان‌کننده این مطلب است که دانش‌آموزان دختر دارای سرزندگی تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی بیشتری نسبت به دانش‌آموزان پسر هستند. نتایج تحقیق نشان داد که بین دانش‌آموزان پسر و دختر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام در متغیرهای تعلق به همسالان، حمایت معلم، عدالت در مدرسه، ارتباط در مدرسه، مشارکت علمی، انگیزه پیشرفت تحصیلی و سرزندگی تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که متغیر جنسیت، ۱/۲ درصد واریانس تعلق به همسالان، ۲/۱ درصد واریانس حمایت معلم، ۲/۷ درصد واریانس عدالت در مدرسه، ۱/۴ درصد واریانس ارتباط در مدرسه، ۱/۹ درصد واریانس مشارکت علمی، ۴/۷ درصد واریانس انگیزه پیشرفت تحصیلی، ۱/۳ درصد واریانس سرزندگی تحصیلی را تبیین کرده است. همچنین، نتایج تحقیق بیان‌کننده این مطلب است که دانش‌آموزان دختر دارای سرزندگی تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی

بیشتری نسبت به دانش آموزان پسر هستند. نتایج تحقیق حاضر با نتایج به دست آمده از تحقیقات ابراهیم آبادی (۱۳۷۸)، حج فروش و اورنگی (۱۳۸۲)، کولیک (۲۰۰۳)، تک آونگ (۲۰۰۸)، ویتینگ (۲۰۰۶)، روسشل، پنویل و آبرامسون (۲۰۰۳) به نقل از وایتنگ، (۲۰۰۶) و روبلایر و ادوارد (۲۰۰۰) به نقل از ویتنگ، (۲۰۰۶) همسو می‌باشد. ولی با نتایج تحقیق منصور (۱۳۷۸) و کلارک (۲۰۰۰)، متفاوت می‌باشد. دلیل تفاوت نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر با نتایج پژوهش منصور و کلارک را می‌توان اینگونه بیان داشت که این پژوهش‌ها در جامعه‌ای متفاوت با تحقیق حاضر انجام پذیرفته است. دانش آموزانی که در مدارس هوشمند مشغول به تحصیل می‌باشند در یادگیری دارای استقلال و خودمختاری بیشتری نسبت به دانش‌آموزان مدارس عادی می‌باشند. احساس تعلق و تعهد دانش‌آموزان به مدرسه تحت تأثیر فرصت‌هایی برای خلق کردن و یادگیری می‌باشد و دانش‌آموزانی که اعتقاد دارند هوش کیفیتی انعطاف‌پذیر و قابل افزایش است، سرزندگی تحصیلی را انتخاب و برای رسیدن به اهداف خود تلاش زیادی خواهند کرد. به طور کلی می‌توان اینگونه بیان نماییم که احساس تعلق به مدرسه و انگیزه پیشرفت تحصیل و سرزندگی تحصیلی هنگامی رخ می‌دهد که دانش‌آموزان در یادگیری دارای استقلال و خودمختاری باشند و در فرایند یادگیری چه تعیین اهداف و چه مشارکت در مدرسه دخالت داشته باشند (بلدرین، ۲۰۰۶). ابزار تکنولوژیکی جدید می‌توانند نقش دوگانه‌ای در فرایند فوق بازی کنند در صورتی که سیستم مدیریتی این مدارس باز باشد و به دانش‌آموزان امکان دخالت در فرایند آموزشی داده شود این امر باعث افزایش احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه می‌شود. ولی استفاده مطلق از این ابزار در جهت کاهش وابستگی دانش‌آموز به مدرسه و معلم باعث کاهش تعاملات دانش‌آموز با معلم و همسالان می‌شود. از سوی دیگر بررسی نشان می‌دهد که در طول دهی نخست قرن حاضر شکاف‌های جنسیتی در انتخاب رشته‌های تحصیلی مرتبط با مشاغل مهم نظیر ریاضی و علوم و نمرات امتحانی آنها تعدیل شده است و دختران دانش‌آموز به ثبت نام در رشته‌های تحصیلی متنوعی روی آورده‌اند و به اندازه‌ی پسران در آنها موفق بوده‌اند. گذشته از تحقیقات خارجی برخی تحقیقات داخلی را نیز می‌توان ذکر کرد که نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های آنها در زمینه‌ی برتری تحصیلی دختران تناسب دارد. به عنوان نمونه، بحرانی (۱۳۷۲) به بررسی



انگیزه تحصیلی و عادات مطالعه‌ی گروهی از دانش‌آموزان متوسطه پرداخت و نشان داد که داد تفاوت معنی‌دار بین نمرات دو جنس در اغلب انگیزه‌های تحصیلی و نیز یکی از عادات مطالعه و به نفع دختران وجود دارد. همچنین، پالیزدار (۱۳۸۰) نشان داد که میزان و علاقه دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر بیشتر است. با توجه به نتایج این تحقیق می‌توان پیشنهاد کرد که توسعه و افزایش مدارس با وضعیت کنونی اگرچه دارای فاصله زیادی با استانداردها می‌باشد ولی بازدهی مناسبی را می‌تواند در بر داشته باشد. استفاده از تجربیات کشور مالزی در این زمینه با توجه به قرابت نسبی فرهنگی و رشد چشم‌گیر این کشور در زمینه مدارس هوشمند را می‌توان پیشنهاد کرد. این کشور با توجه به هزینه‌های سنگین این مدارس برای دولت در ابتدای راه توسعه این مدارس را به بخش خصوصی واگذار کرده و سعی در توسعه همکاری بخش خصوصی در زمینه توسعه این مدارس دارد. این راهبرد می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات فراروی این مدارس در ایران باشد. در سال‌های اخیر تحولات جنسیتی گسترده‌ای در حوزه‌ی آموزش و پرورش و تحصیلات دانشگاهی به وقوع پیوسته است که نمی‌توان آنها را محدود و منحصر به تحولات کمی و افزایش چشمگیر نسبت دانش‌آموزان دختر دانست، به همین اعتبار دیدگاه‌های جدیدتر بر ابعاد کیفی این تحول تأکید داشته و آن را در عرصه‌ی وسیع‌تری از پیامدهای تحصیلی دنبال کرده‌اند که بدون شک بخش عمده‌ای از این بررسی‌ها معطوف به توضیح افزایش انگیزش و دل‌بستگی تحصیلی دختران و نیز پیشرفت تحصیلی بیشتر آنها در مقایسه با دانش‌آموزان پسر بوده است.

### منابع

- بحرانی، محمود (۱۳۷۲). بررسی رابطه انگیزش تحصیلی و عادات مطالعه گروهی از دانش‌آموزان متوسطه شیراز، پایان‌نامه‌ی فوق لیسانس. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). رابطه‌ی میان عزت نفس، انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم، مطالعات روانشناختی، دوره ۱، شماره ۴ و ۵، صص ۱۴۴-۱۳۱.

پالیزدار، فرخ (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه میزان و علل علاقه دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه به تحصیل از دیدگاه دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا س.

دهقانی زاده، محمدحسین؛ حسین چاری، مسعود؛ مرادی، مرتضی؛ سلیمانی خشاب، عباسعلی (۱۳۹۳). سرزندگی تحصیلی و ادراک از الگوهای ارتباطات خانواده و ساختار کلاس؛ نقش واسطه ای ابعاد خودکارآمدی. مجله: روان‌شناسی تربیتی. تابستان، شماره ۳۲.

حج‌فروش، احمد؛ اورنگی، عبدالمجید (۱۳۸۲) بررسی نتایج کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در دبیرستانهای شهر تهران، فصلنامه نوآوری آموزشی، شماره ۹ سال سوم حسین چاری، مسعود. دهقانیزاده، محمدحسین (۱۳۹۱). سرزندگی تحصیلی و ادراک از الگوی ارتباطی خانواده، نقش واسطه‌ای خودکارآمدی. مجله مطالعات آموزش و یادگیری. ۴(۲) صص ۲۲ تا ۴۷.

سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: نشر دوران.

گیج، اف. و برلایتر، د. (۱۹۹۲)؛ روان‌شناسی تربیتی، ترجمه غلامرضا خوئی‌نژاد، جواد طهوریان، حسین لطف‌آبادی، محمدتقی منشی طوسی و محمد نظری‌نژاد (۱۳۷۴). چاپ اول.

منصوری، صابر (۱۳۸۷) مقایسه تأثیر مدارس هوشمند و عادی بر مهارت‌های تفکر انتقادی و انگیزش پیشرفت دانش آموزان مقطع سوم دبیرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تکنولوژی دانشگاه علامه طباطبائی

میکائیلی، نیلوفر؛ افروز، غلامعلی؛ قلیزاده، لیلا. (۱۳۹۳). ارتباط خودپنداره و فرسودگی تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر، مجله روان‌شناسی مدرسه. 103-90 (4).

نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۸۳). مردم‌شناسی جنسیت، نشر افکار. هرمنس. (۱۹۷۰). پرسشنامه انگیزه پیشرفت. (ترجمه ابوالفضل کرمی). تهران: مرکز نشر روانسنجی.

Allen, Jeff; Robbins, B. Steven; Casillas, Alex (2008) Third-year College Retention and Transfer: Effects of Academic Performance, Motivation, and Social, Res High Educ (2008) 49:647-664.

Battle, E. S. (1960). Motivational determinants of academic competence. Journal of Personality and Social Psychology, 4, 634-642.

- Beatty, Brendy, Brew, Christian (2005) Measuring student sense of connectedness with school; development of instrument for use in secondary school, *Leading & Managing* vol 2 pp103-1.
- Belderman, Yoani (2006) Disinact education trend integrating new technology to foster student interaction and collaboration, *Distance Education*, vol 27, no 2 pp139-153.
- Cooley, W., Lohnes, P. R. (1976). *Education Research in Education*. Irvington, New York.
- Karcher, David; Holcomb, J. M.; Zambrano, (2008) *School Attachment*. New York; McGraw-Hill.
- Kulhik, J. A. (2003) Effect of using instruction technology in elementary and secondary school: what controlled evaluation study say. Arlington: SIR International.
- Ladd, W. Gary; Dinella, M. Lisa (2009) Continuity and Change in Early School Engagement: Predictive of Children's Achievement Trajectories From First to Eighth Grade, *Journal of Educational Psychology*, Volume 101, Issue 1, February 2009, Pages 190-206.
- Martin, A. J., & Marsh, H. W. (2006). Academic resilience and its psychological and educational correlates: A construct validity approach. *Psychology in the Schools*, 43, 267-282.
- Martin, A. J., & Marsh, H. W. (2008a). Academic buoyancy: Towards an understanding of students' everyday academic resilience. *Journal of School Psychology*, 46, 53-83.
- Martin, A. J. & Marsh, H. W. (2008b) Workplace and academic buoyancy: psychometric assessment and construct validity amongst school personnel and students, *Journal of Psychoeducational Assessment*, 26, 168-184.
- Mcneely, Clea; Nonnemaker, James; Blum, Robert (2002) Promoting school connectedness: evidence from the national longitudinal study of adolescent health, *Journal of School Health*, April 2002, vol 72, no 4.
- Morrison, Gale (2008) Change in Latino student perception of school belonging measure of adolescent connectedness, *Asia Pacific Education* vol 3 no 1 95-114
- Murray, H. A. (1938). *Explorations in Personality*. New York: Oxford University Press.
- Putwain DW, Symes W, Connors L, Douglas-Osborn E. Is academic buoyancy anything more than adaptive coping. *Anxiety, Stress and Coping* 2012; 25 (3): 349-358.
- Reeve J, Jang H. What teachers say and do to support students' autonomy during a learning activity. *Journal of Educational Psychology* 2015; 98: 209-218.
- Rowe, Fiona; Stewart, Donald; Patterson, Carla (2007) Promoting school Connectedness through whole school approaches, *Health Education*, Vol. 107 No. 6.
- Ryan RM, Frederick C M. On energy, personality and health: subjective vitality as a dynamic reflection of well-being. *Journal of Personality* 1997; 65: 529-565.
- Saelhof, Jileon (2009) Examining the Promotion of School Connectedness through Extracurricular Participation, In the Department of Educational Psychology and Special Education University of Saskatchewan.
- Shochet, M. Ian, Smyth, Tanya (2009) The Impact parental attachment on adolescent perception of the school connectedness, *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, Carlsbad, CA 92015, 38(4), 403-414.
- Slavin, R.E. (2006). *Educational Psychology: Theory and practice* (8th ed) New York Pearson.

- Tek-ong,eng(2008) the effect of smart schooling on student attitude toward science,erusia journal of mathematic science&educational techonloge,2009,5(1),35-45.
- Weiner. B. (1992) theory of motivation & Emotion. New York: springer – overlay.
- Wighting, MERVYN J. (2006) Effects of Computer Use on High School Students’Sense of Community, The Journal of Educational Research.